

## تأثیر دوره تصدی حسابرِس بر محافظه‌کاری ناشی از کیفیت حسابرِس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

شعبان نظری<sup>۱</sup>، بهزاد قربانی<sup>۲</sup> و رسول لطفی<sup>۲</sup>

۱ کارشناس ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی تاکستان، ایران

۲ موسسه آموزش عالی تاکستان، ایران

### چکیده

این پژوهش تأثیر دوره تصدی حسابرِس بر محافظه‌کاری ناشی از کیفیت حسابرِس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داده است. بدین منظور برای سنجش دوره تصدی حسابرِس از تعداد سال‌های متوالی که حسابرِس، شرکت مورد رسیدگی را حسابرِسی نموده است، استفاده شده است. همچنین جهت ارزیابی محافظه‌کاری ناشی از کیفیت حسابرِس از مدل چوونگ و همکاران (۲۰۰۳) عاریت گرفته شده که در این خصوص محافظه‌کاری بر اساس معیار باسو (۱۹۹۷) و رتبه حسابرِسی شرکت‌های نمونه بر اساس چک لیست دستورالعمل طبقه‌بندی موسسات حسابرِس و اشخاص موضوع ماده ۱۰ دستورالعمل موسسات حسابرِسی معتمد سازمان بورس اوراق بهادار محاسبه گردیده و نیز از متغیرهایی مانند سهامداران نهادی، کیفیت سود، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام، اندازه شرکت و اهرم مالی استفاده شده است. همچنین در پژوهش حاضر، یک فرضیه اصلی تدوین و تعداد ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از طریق نمونه‌گیری به روش حذف سیستماتیک، برای دوره زمانی ۵ ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ بعنوان جامعه آماری پژوهش انتخاب و با مراجعه به صورت‌های مالی و گزارش‌های هیات مدیره شرکت‌های نمونه، اطلاعات لازم برای سنجش متغیرها، استخراج و آزمون‌های آماری بر روی آنها انجام گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش حاکی از این مطلب می‌باشد که دوره تصدی حسابرِس بر محافظه‌کاری ناشی از کیفیت حسابرِس، تأثیر معنادار و معکوس دارد.

**واژه‌های کلیدی:** دوره تصدی حسابرِس، محافظه‌کاری ناشی از کیفیت حسابرِس، سهامداران نهادی و اهرم مالی

1. Chong et al

2. Basu S. (1997)

## مقدمه

از نظر تئوریک، هدف‌ها و خط‌مشی‌های یک شرکت از طریق هیات‌مدیره انتخابی توسط مجمع عمومی صاحبان سهام تعیین می‌شود، اما با توجه به اختیارات عمده‌ای که به مدیریت ارشد سطح بالای شرکت‌ها داده می‌شود، هدف‌ها و خط‌مشی‌ها عمدتاً توسط این گروه تعیین می‌گردد. از آنجا که سازمانها به لحاظ اندازه و عملیات بسیار بزرگ و پیچیده شده و از لحاظ گستره جغرافیایی فعالیت، بسیار پراکنده و توسعه یافته‌اند، لذا مالکان آنها قادر به نظارت و سرپرستی مستقیم فعالیت‌های سازمان نیستند. این دور بودن مالکان از سازمانهای تحت مسئولیت آنها و نیز پیچیدگی اطلاعات مالی و فعالیت‌های عملیاتی سازمان خود، باعث شده تا افراد حرفه‌ای تحت عنوان حسابرس را به خدمت گیرند تا از طریق آنها به ارزیابی فعالیت‌ها و عملکرد مدیران منتخبی خود، دست یابند. همچنین مشکل تضاد منافع بین مدیران و سهامداران نیز موجب استخدام حسابرسان مستقلی شد تا نسبت به تطابق صورت‌های مالی با اصول پذیرفته شده حسابداری از جهات با اهمیت، به سهامداران شرکت گواهی دهند (واتز و زیمرمن، ۱۹۸۶).

تحقیق حاضر درصدد بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرس بر محافظه‌کاری ناشی از کیفیت حسابرس در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است؛ بنابراین این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت توصیفی از نوع تحقیقات همبستگی است که در این نوع پژوهش‌ها، پژوهشگر به دنبال ارزیابی ارتباط بین دو یا چند متغیر است. فرضیه تحقیق بر اساس تکنیک آماری داده‌های ترکیبی آزمون خواهند شد. در این تحقیق از روش‌های کمی تجزیه و تحلیل آماری استفاده خواهد شد که شامل تجزیه و تحلیل رگرسیونی است. نوع رگرسیون مورد استفاده در پژوهش، رگرسیون داده‌های ترکیبی خواهد بود. مدل رگرسیونی مورد استفاده نیز از نوع رگرسیون خطی هست. روش و ابزار گردآوری اطلاعات بدین صورت می‌باشد که برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش، از صورت‌های مالی مندرج در بانک‌های اطلاعاتی و سایت اینترنتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران (کدال) بهره برده و برای تحلیل و آزمون فرضیه پژوهش، به کمک نرم‌افزارهای اکسل (Excel)، ای ویوز (E views) و از آزمون‌های F فیشر و آزمون t استفاده می‌شود.

## حسابرس و حسابداری

حسابرس به فرد یا مؤسسه‌ای گفته می‌شود که مسئولیت نهایی حسابرسی صورت‌های مالی یا ارائه خدمات مرتبط را به عهده دارد. هدف حسابرسان از مقایسه شواهد جمع‌آوری‌شده با ادعاهای مدیریت مربوط به فعالیت‌ها و وقایع اقتصادی و نیز تعیین میزان انطباق ادعاهای مزبور با معیارهای از پیش تعیین‌شده، می‌باشد. اگرچه معیارهای مختلفی برای تعیین میزان انطباق وجود دارد، اما در تنظیم صورت‌های مالی اساسی، معمولاً منظور از معیار اصلی و مورد قبول، اصول و استانداردهای حسابداری است. در بند ۳ بخش ۲۰۰ استانداردهای حسابداری کشور (۱۳۹۳) نیز تأکید شده است که هدف از حسابرسی صورت‌های مالی، اظهار نظر نسبت به این موضوع است که آیا صورت‌های مالی از تمام جنبه‌های با اهمیت، طبق چارچوب گزارشگری مالی مربوطه (بر اساس استانداردهای حسابداری) تهیه شده است یا خیر. هدف کلی حسابرسان حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات با اهمیت موجود در صورت‌های مالی ارائه شده توسط مدیریت شرکت، می‌باشد. حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی خود هستند. حسابرسان مستقل نقش حیاتی در اعتبار بخشی به صورت‌های مالی و همچنین حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران ایفا می‌کنند. حسابرس با کیفیت‌تر صحت اطلاعات ارائه شده را بهبود می‌بخشد و به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهد برآورد دقیق‌تری از ارزش شرکت به دست آورند (پورکریم، ۱۳۸۹).

حسابرسی مکانیزمی کارا برای فراهم کردن اطلاعات شفاف و قابل اتکا ایجاد می‌کند. حسابرسی، کیفیت اطلاعات مالی مورد استفاده، قیمت سهام و تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری را افزایش داده و پیش‌بینی و محاسبه ریسک را بهبود می‌بخشد. بدین‌جهت، اشخاص با استفاده از اطلاعات حسابداری در سهام شرکتی سرمایه‌گذاری می‌کنند که ساختار و میزان ریسک موجود در آن با توجه به میزان ریسک‌پذیری و همچنین بازده مورد انتظار متناسب باشد. همچنین اهمیت حسابرسی به عنوان یکی از ساز

و کارهای راهبری شرکتی، توجه زیادی را از سوی محققین به خود جلب کرده است. حسابرسان با اظهارنظر درباره نبود اشتباهات عمدی یا اصلاح اشتباهات غیرعمدی در صورت‌های مالی، کیفیت اطلاعات حسابداری را بعنوان مبنای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بالا می‌برند (تندلو و استرایلن، ۲۰۰۸)؛ بنابراین کیفیت حسابداری خصوصاً بعد از فروپاشی شرکت‌های بزرگ، از اهمیت شایان ذکری برخوردار گردیده است.

### دوره تصدی حسابرِس

دوره تصدی حسابرِس عبارت است از مدت‌زمان رابطه کاری حسابرِس با صاحب‌کار (شرکت). پدیده تصدی حسابرِس باعث مطرح‌شدن استدلال‌هایی از سوی مخالفان و موافقان این پدیده گردیده است. مطالعات دوره تصدی حسابرِس به بررسی این امر می‌پردازند که آیا مدت طولانی رابطه کاری حسابرِس - صاحب‌کار بر کیفیت حسابرِسی تأثیر دارد یا خیر. علت و محرک این تحقیقات نیز دعوت به تغییر اجباری یا اختیاری حسابرِس می‌باشد. استدلال موافقی که در جهت تغییر حسابرِس عنوان می‌شود این است که دوره تصدی بلندمدت، استقلال حسابرِس را خدشه‌دار خواهد کرد. استدلال مخالفان نیز این است که حسابرِس از انگیزه‌های اقتصادی قوی برای حفظ استقلال برخوردارند و سازوکارهای داخلی از قبیل چرخش کارکنان حسابرِسی برای حفظ استقلال و تردید حرفه‌ای حسابرِس کافی می‌باشد (فرانسیس<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). همچنین آنها استدلال می‌کنند که دوره تصدی بلندمدت‌تر باعث آشنایی بیشتر حسابرِس با عملیات تجاری و مسائل گزارشگری صاحب‌کار می‌شود که این امر موجب می‌شود کیفیت حسابرِسی افزایش یابد.

### محافظه‌کاری

محافظه‌کاری یکی از ویژگی‌های گزارشگری مالی است که در قالب یک اصل محدودکننده در چارچوب اصول و مفاهیم حسابداری، ایفاگر نقش مهمی در محدود کردن رفتارهای خوش‌بینانه مدیران در جایگاه تهیه‌کنندگان اطلاعات از یک سو و برآوردی از حداقل عایدات سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در جایگاه مهم‌ترین استفاده‌کنندگان، از سوی دیگر است. تحقیقاتی که درباره محافظه‌کاری انجام گرفته، مؤید اهمیت نقش این میثاق حسابداری در زمینه‌های مختلفی از قبیل برطرف کردن مسائل بر خواسته از نمایندگی، بی‌اثر ساختن مسائل ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان آگاه و ناآگاه، احقاق حقوق ذینفعان عمده، تأثیر مثبت بر کاهش هزینه‌های استقراض و هزینه‌های سرمایه و افزایش اهرم‌های مالی، نقش بازدارندگی در قبال وقوع رسوایی‌های مالی و همچنین نقش انکارناپذیر آن در مبحث راهبری شرکتی است (لارا و همکاران، ۲۰۰۷). در تعریف کلاسیک محافظه‌کاری به مفهوم شناسایی کندتر درآمد نسبت به شناسایی سریع‌تر هزینه و ارزیابی کمتر دارایی در مقابل ارزیابی بیشتر بدهی می‌باشد. شناسایی به‌موقع زیان مشکل نمایندگی بین سهامداران و مدیران را کاهش می‌دهد. محققان از اصطلاح محافظه‌کاری برای اشاره به محافظه‌کاری مشروط (بعد از وقوع) که دارای دیدگاه سود و زیانی و گذشته‌نگر و مستلزم درجه بالاتری از تائید در شناخت اخبار خوب نسبت به اخبار بد در صورت‌های مالی است، بیشتر استفاده می‌کنند. محافظه‌کاری مشروط از دیدگاه‌های مختلف مورد چالش قرار گرفته است. یکی از استدلال‌های رایج برخلاف این معیار این است که از محافظه‌کاری به‌عنوان جایگزینی برای سایر ویژگی‌های شرکت یا گزارشگری مالی استفاده می‌شود. به دلیل رابطه منفی بین محافظه‌کاری و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، ضریب نامتقارن به‌موقع بودن را با سوگیری نشان می‌دهد. وجود عدم اطمینان در محیط حسابداری درباره وقایع مالی آتی، منجر به شکل‌گیری محافظه‌کاری در حسابداری می‌شود که حسابرِس را نیز در مقابل دعوی حقوقی خود، بیمه می‌نماید.

کیسو<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۰۱) محافظه‌کاری را اینگونه تعریف می‌کنند، «به طور سنتی محافظه‌کاری در حسابداری وسیله‌ای است که به هنگام تردید در انتخاب رویه‌ای که ممکن است موجب ارائه بیش از واقع دارایی‌ها و سود شود راه حلی را بر می‌گزیند که

4Tendello & Van Strailen

5Francis.j et al

6Lara et al.

7Kiso et al.

کمترین پیامد را داشته باشد». برای مثال بند ۹۵ از بیانیه‌های مفاهیم حسابداری مالی شماره ۲ (۱۹۸۰) (پیوست استانداردهای حسابداری ملی) چنین می‌گوید: «... اگر برای یک مبلغ دریافتی یا پرداختی دو برآورد با درجه احتمال یکسان وجود داشته باشد، محافظه‌کاری آن برآوردی را انتخاب خواهد کرد که کمترین خوش‌بینی در آن لحاظ شده باشد». از دیدگاه تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی، محافظه‌کاری به‌عنوان کوششی برای انتخاب روشی از روش‌های پذیرفته‌شده‌ی حسابداری است که به یکی از نتایج شناخت کندتر درآمد فروش، شناخت سریع‌تر هزینه، ارزشیابی کمتر دارایی‌ها و یا ارزشیابی بیشتر بدهی‌ها منتج شود (شباهنگ، ۱۳۸۷: ۵۴).

عدم تقارن زمانی سود معیاری برای سنجش محافظه‌کاری در گزارشگری مالی می‌باشد و عبارت است از تفاوت بین واکنش به هنگام سود نسبت به اخبار خوب و بد. بر اساس این معیار، رفتار نامتقارن سود در واکنش به اخبار خوب و بد موجب می‌شود تا واکنش سود نسبت به اخبار بد به هنگام تر از واکنش سود نسبت به اخبار خوب باشد. عدم تقارن زمانی سود معیاری با دیدگاه سود و زیانی می‌باشد (کردستانی و امیر بیگی، ۱۳۸۷: ۶۵).

### جایگاه محافظه‌کاری در استانداردهای حسابداری

هیئت استانداردهای حسابداری مالی<sup>۸</sup> که در سال ۱۹۸۰ شروع به فعالیت نمود، محافظه‌کاری را این‌گونه تعریف می‌کند: «محافظه‌کاری یک واکنش محتاطانه نسبت به شرایط ابهام است و سعی دارد ابهام و ریسک‌های ذاتی موجود در موقعیت‌های تجاری، به اندازه کافی مورد توجه واقع شوند و مراقبت لازم از آن‌ها به عمل آید».

در استانداردهای حسابداری فعلی، رویکرد ترازنامه‌ای (نگهداشت سرمایه ثابت) جایگزین رویکرد سود و زیانی شده است که برای سال‌های زیادی در حسابداری رایج و مورد تأیید نظریه‌پردازان بود. در رویکرد ترازنامه‌ای دارایی‌ها و بدهی‌ها به‌صورت اختصاصی تعریف، شناسایی و اندازه‌گیری می‌گردد. اگر این امر به‌درستی انجام گردد درآمدها به‌عنوان افزایش در دارایی‌ها (کاهش در بدهی‌ها) و هزینه‌ها به‌عنوان کاهش در دارایی‌ها (یا افزایش در بدهی‌ها) اندازه‌گیری می‌شود. در صورت دسترسی به ارزش منصفانه می‌توان از آن برای اندازه‌گیری، بدون اینکه اصول رایج حسابداری مثل تطابق و اصل بهای تمام‌شده به کار رود، استفاده نمود. رویکرد ترازنامه‌ای با گرایش به سمت ارزش منصفانه، برای مفهوم محافظه‌کاری فضای کوچکی باقی می‌گذارد، به‌رحال گرچه مبانی نظری استانداردهای حسابداری مبتنی بر چشم‌اندازهای تئوریک است که در نگاه اول فضای کمی برای محافظه‌کاری یا اصول حسابداری رایج باقی گذاشته است، اما این مبانی کاملاً عاری از این عوامل نیستند، برای مثال مفهوم تطابق درآمد و هزینه همچنان می‌بایست به اجرا درآید اما: «اعمال مفهوم تطابق درآمد و هزینه تحت این چارچوب نظری اجازه شناسایی اقلامی را در ترازنامه که با تعریف دارایی‌ها یا بدهی‌ها مطابقت ندارد، مجاز نمی‌شود» (بند ۳۴-۴ مفاهیم نظری گزارشگری مالی پیوست استانداردهای ملی).

در خصوص محافظه‌کاری طبق بند (۲-۱۸) مفاهیم نظری گزارشگری مالی همان منبع، کلمه احتیاط به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری که صورت‌های مالی را برای استفاده‌کنندگان مفید می‌سازد بیان شده است. به‌رحال همانند جمله بالا در خصوص تطابق درآمد و هزینه یک شرط اضافه شده است که باعث می‌گردد تفسیر این بند دچار مشکل گردد: کمیته فنی سازمان حسابرسی ایران در مفاهیم نظری گزارشگری مالی که ترجمه‌ای از بیانیه اصول هیئت استانداردهای حسابداری انگلستان است، محافظه‌کاری را با لفظی دیگر (احتیاط) به رسمیت می‌شناسد و آن را به‌عنوان یکی از اجزای خصوصیت کیفی «قابل اتکاء بودن» معرفی می‌کند (مجتهد زاده، ۱۳۸۰: ۲۲).

### محافظه‌کاری حسابرسی

از نظر بیور<sup>۹</sup> و همکاران (۱۹۹۸) رفتار محافظه‌کارانه به‌گونه‌ای است که منجر به انتخاب درآمدهای کمتر (نسبت به درآمدهای بیشتر) و هزینه‌های بیشتر (نسبت به هزینه‌های کمتر) می‌شود و زیان‌های تحمل نشده را شناسایی کرده ولی سودهای

8Financial Accounting Standard Board (FASB)

9Beaver

تحقق نیافته را شناسایی نمی‌کند. به همین دلیل او هلسون و فلتهم (۱۹۹۵) بیان نمودند انتظار می‌رود که این نتایج باعث بروز اختلافی بین ارزش‌بازار و ارزش‌دفتری سهام در بلندمدت گردد.

گرچه مسئولیت تهیه و ارائه صورت‌های مالی با مدیریت واحد اقتصادی است، اما صورت‌های مالی حسابرسی شده محصول مشترک صاحب‌کار و حسابرس در نظر گرفته می‌شود. حسابرسی نقش بااهمیتی در حفاظت از حقوق سهامداران ایفا می‌کند و با علامت‌دهی در مورد قابلیت اعتماد اطلاعات مالی ارائه‌شده توسط مدیران، به سرمایه‌گذاران بالقوه و مدیران منفعت می‌رساند. حسابرسی به‌عنوان حرفه‌ای مستقل، وظیفه خطیری در جهت اعتبار دهی گزارش‌های مالی برای جامعه استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی دارد، لذا اطلاعات مالی حسابرسی شده ابزاری برای کاهش مخاطره سرمایه‌گذاری‌ها، بهبود کیفیت تصمیم‌گیری درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، افزایش سطح بازده ناشی از دادوستد اوراق بهادار و بهبود ساختار سبد سرمایه‌گذاری افراد و گروه‌های مختلف است.

در دهه‌های اخیر به دنبال رسوایی‌های مالی شرکت‌های بزرگ، نگرانی ناشی از آثار روابط طولانی‌مدت حسابرس و صاحب‌کار بر استقلال حسابرس، کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی موجب تدوین قوانینی مبنی بر محدود کردن روابط مزبور شده است. قانون‌گذاران بر آن شدند تا با تدوین قوانین جدید، استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی را بهبود بخشند. قانون چرخش اجباری حسابرس یک نمونه بارز از این قوانین بود. بعد از تصویب این قانون مخالفت‌هایی نیز مطرح شد. حامیان تغییر حسابرس بر این باور هستند که در صورت تغییر اجباری حسابرس، حسابرسان در موقعیتی قرار می‌گیرند که قادر خواهند بود در مقابل فشارها و خواسته‌های مدیران مقاومت کرده و قضاوت بی‌طرفانه‌تری را اعمال نمایند. در مقابل مخالفان تغییر اجباری حسابرس معتقدند تلاشی که حسابرسان در جهت حفظ اعتبار و شهرت بکار می‌گیرند و یا ترس از احتمال طرح دعوی حقوقی علیه آن‌ها، مکانیزم‌هایی هستند که مانع از رفتارهای نامناسب حسابرسان می‌شود. آن‌ها معتقدند حسابرسان با گذشت زمان شناخت بهتری از فعالیت‌های صاحب‌کار به دست آورده و تجربه بیشتری کسب می‌کنند و به‌این ترتیب توانایی‌شان در مورد مناسب بودن یا نبودن رویه‌های حسابداری و گزارشگری افزایش می‌یابد؛ بنابراین رابطه طولانی‌مدت حسابرس و صاحب‌کار می‌تواند کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد. به اعتقاد آن‌ها تغییر حسابرس باعث خواهد شد ضمن کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به اتکاپذیری صورت‌های مالی موجب کاهش اعتبار حسابرسی می‌گردد. از طرف دیگر محافظه‌کاری نیز به‌عنوان یک اصل محدودکننده عمده برای اطلاعات مالی می‌باشد که هزینه‌های حسابرسی، چه برای حسابرس و چه برای صاحب‌کار، افزایش خواهد یافت (کرمی و بذرافشان، ۱۳۸۸).

### کیفیت حسابرس (حسابرسی)

ویژگی‌های لازم برای یک حسابرس به‌طور مستقیم تابع شرایطی است که نیاز به حسابرسی را به وجود آورده است و فرایندی که این نیاز را برآورده می‌سازد. این ویژگی‌ها شامل دو گروه ویژگی‌های فردی و ویژگی‌های ساختاری است. ویژگی‌های فردی خصوصیتی است که منحصر به حسابرس است. استقلال، صلاحیت حرفه‌ای و اخلاقی و سایر خصوصیات مشابه از جمله ویژگی‌های فردی حسابرس است. اما برخی از ویژگی‌های حسابرس به‌طور غیرمستقیم از طرف استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی اطلاعات به او تفویض شده است. این ویژگی‌ها که تحت عنوان ویژگی‌های ساختاری شناخته می‌شود به‌طور کلی، شامل اختیار و پذیرش می‌باشد. کیفیت مطلوب حسابرس زمانی حاصل می‌گردد که وی مجموع این دو گروه ویژگی را دارا باشد.

با توجه به جایگاه و نقش حسابرس در تصمیمات استفاده‌کنندگان، استقلال واقعی و کیفیت کار حسابرس که به‌عنوان عوامل کلیدی در تهیه گزارش‌های حسابرسی قلمداد می‌شوند، در سرلوحه توجه آنان قرار گرفته است. به همین دلیل برای افزایش کیفیت کار و حفظ استقلال حسابرس (مؤسسات حسابرسی)، راهکارهای مختلفی از سوی مراجع حرفه‌ای و صاحب‌نظران در این حرفه ارائه شده است که یکی از پیشنهادها مورد توصیه آنان، چرخش منظم مؤسسات حسابرسی می‌باشد.

کیفیت حسابرسی نیز به شیوه‌های مختلفی تعریف شده است. در ادبیات کاربردی، کیفیت حسابرسی را اغلب از طریق تطابق آن با استانداردهای حسابرسی تعریف نموده‌اند. در مقابل پژوهشگران حسابرسی، ابعاد چندگانه کیفیت حسابرسی را مورد توجه قرار

داده‌اند. این ابعاد اغلب به تعاریف متفاوتی منجر شده است (حساس یگانه و قنبریان، ۱۳۸۵). برخی از رایج‌ترین تعاریف درباره کیفیت حسابرسی عبارت‌اند از:

(الف) ارزیابی بازار از احتمال آن که صورت‌های مالی که حاوی تحریف‌های با اهمیت است، حسابرسان این تحریف‌ها را کشف و گزارش نمایند.

(ب) ارزیابی احتمال آن که حسابرسان نسبت به صورت‌های مالی حاوی تحریف‌های با اهمیت، گزارش مقبول صادر ننمایند.

(پ) ارزیابی کفایت و صحت اطلاعات گزارش شده توسط حسابرسان.

(ت) اندازه‌گیری توانایی حسابرسان برای کاهش پارازیت، سوگیری و بهبود کیفیت داده‌های حسابداری.

در مقاله پژوهشی حاضر به بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسان بر محافظه‌کاری ناشی از کیفیت حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته می‌شود و درصدد پاسخگویی به این سؤال می‌باشیم که: آیا دوره تصدی حسابرسان بر محافظه‌کاری در حسابرسانی تأثیر معناداری می‌باشد؟ لذا **انتظار می‌رود که با افزایش دوره تصدی حسابرسان، محافظه‌کاری ناشی از کیفیت حسابرسان کاهش یابد.**

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و علمی و نیز از لحاظ ماهیت، توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ (۵ سال) می‌باشد. از میان جامعه آماری به‌دست‌آمده، تعداد ۱۲۰ شرکت به‌عنوان نمونه آماری تحقیق حاضر با روش حذف سیستماتیک انتخاب شده است. به علت گستردگی حجم آماری جامعه و وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضای جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده‌شده که شامل موارد زیر است:

(۱) شرکت‌های نمونه قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده باشند.

(۲) پایان سال مالی شرکت‌های نمونه پایان اسفندماه سال باشد.

(۳) اطلاعات موردنیاز شرکت‌ها، به‌ویژه یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی به‌منظور استخراج داده‌های موردنیاز در دسترس باشد.

(۴) شرکت‌های نمونه آماری جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی و اعتباری، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) به دلیل تفاوت در نوع گزارشگری مالی، نباشند. با توجه به محدودیت‌های عنوان‌شده در انتخاب جامعه آماری پس از اعمال این محدودیت‌ها، شرکت‌های نمونه آماری تحقیق دارای ویژگی‌های یکسانی خواهند شد که از میان جامعه آماری به‌دست‌آمده است.

پژوهش مربوطه شامل سه نوع متغیر: وابسته، مستقل و ترکیبی می‌باشد. در تحقیق پیش روی محافظه‌کاری حسابرسان به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. بدین منظور جهت سنجش محافظه‌کاری از معیار باسو (۱۹۹۷) بهره گرفته شد و بازده اضافی و سالانه سهام شرکت‌های نمونه تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفت. دوره تصدی حسابرسان به‌عنوان متغیر مستقل تحقیق می‌باشد که با توجه به تحقیق قیطاسی و همکاران (۱۳۹۰) جهت محاسبه آن در مدل رگرسیونی، از تعداد سال‌های متوالی که حسابرسان، شرکت مورد رسیدگی را حسابرسانی نموده است، استفاده می‌شود.

در پژوهش، سهامداران نهادی، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، اندازه شرکت، کیفیت سود و اهرم مالی به‌عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده‌اند.

جهت انجام آزمون فرضیه پژوهش از مدل رگرسیونی به شرح زیر استفاده شده است:

### مدل رگرسیونی جهت فرضیه تحقیق

$$AUCONS = \beta_0 + \beta_1 AT + \beta_2 INST + \beta_3 M/B + \beta_4 SIZE + \beta_5 EQ + \beta_6 LEV + \varepsilon$$

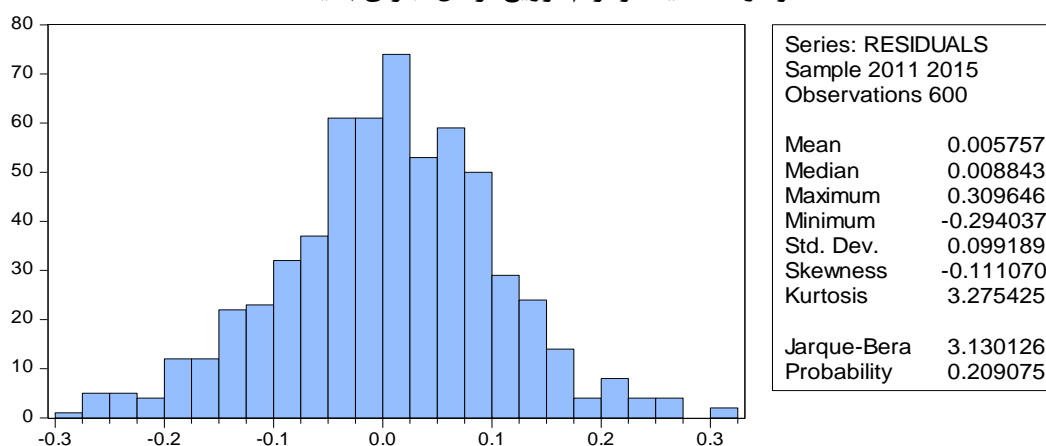
AUCONS: محافظه‌کاری ناشی از کیفیت حسابرسان

AT: دوره تصدی حسابر  
INST: سهامداران نهادی  
M/B: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری  
SIZE: اندازه شرکت  
EQ: کیفیت سود  
LEV: اهرم مالی  
ε: خطای برآورد  
β: ضریب تغییرات هر متغیر

### یافته‌های پژوهش

یکی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های رگرسیونی، نرمال بودن باقیمانده‌های مدل است. در این راستا از آزمون جارک- برا در سطح اطمینان ۰/۹۵ استفاده شد. نمودار (۱) بررسی نرمالیتی توزیع جملات پسماند رگرسیون را نشان می‌دهد. نتایج آزمون نرمالیتی حاکی از احتمال آماره جارک- برا، برابر با ۰/۲۰۹۰۷۵ می‌باشد که بزرگ‌تر از سطح خطای ۰/۰۵ است، پس جملات پسماند رگرسیون دارای توزیع نرمال است. همچنین یکی از پیش‌فرض‌های اصلی آزمون جهت استفاده از مدل رگرسیونی پژوهش برقرار شده و نتایج به‌دست‌آمده قابل‌اعتماد است.

نمودار (۱): هیستوگرام توزیع نرمال اجزای باقیمانده



به‌منظور بررسی همبستگی بین متغیرهای پژوهش در سطح کل شرکت‌ها در طی دوره زمانی ۵ ساله پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول (۲) ارائه گردیده است.

جدول (۲): نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش در سطح شرکت‌های نمونه

LEV	EQ	SIZE	M/B	INST	AIS	AUCONS	شاخص متغیر
						۱	محافظه‌کاری ناشی از کیفیت حسابر
						۱	دوره تصدی حسابر
				۱	-۰/۱۱۸۰	۰/۰۱۴۳	سهامداران نهادی
			۱	۰/۰۹۱۶۲	-۰/۰۶۱۲	-۰/۰۱۸۳	نسبت ارزش بازار به دفتری
		۱	-۰/۰۳۹۴	-۰/۰۸۱۴۶	-۰/۰۸۸۹	۰/۰۴۸۴	اندازه شرکت

کیفیت سود	-۰/۰۴۶۲	-۰/۰۵۹۹	-۰/۰۱۶۲۸	-۰/۰۴۹۷	-۰/۰۵۰۲	۱
اهرم مالی	۰/۰۱۰۳	-۰/۰۲۷۱	۰/۰۱۹۷۸	۰/۰۹۳۱	۰/۱۲۸۲	۱

با توجه به جدول (۲) نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد، به دلیل اینکه تمامی نتایج کوچک‌تر از سطح خطای پژوهش (۰/۰۵) هست بنابراین رابطه معناداری بین تمام متغیرها وجود دارد. بطوری‌که همبستگی بین متغیرهای دوره تصدی حسابرِس، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و کیفیت سود همگی با محافظه‌کاری ناشی از کیفیت حسابرِس، منفی و معنادار است ولی همبستگی بین متغیرهای سهامداران نهادی، اندازه شرکت و اهرم مالی با محافظه‌کاری ناشی از کیفیت حسابرِس مثبت و معنادار می‌باشد.

برای بررسی پایایی متغیرها از آزمون لوین و نیز لین و چو استفاده شده است که در جدول (۳) نتایج به دست آمده ارائه گردیده است. با توجه به جدول مذکور نتایج آزمون حاکی از آن است که کلیه متغیرهای پژوهش در سطح خطای ۰/۰۵ در طی قلمرو زمانی پژوهش در سطح پایا بوده و روش آماری مدل رگرسیونی پژوهش قابل اعتماد است.

جدول (۳): نتایج آزمون پایایی متغیرهای پژوهش (Levin Lin & Chu Unit Test)

نام متغیر	نماد	آماره لوین لین و چو	احتمال آماره لوین لین و چو
محافظه‌کاری ناشی از کیفیت حسابرِس	AUCONS	-۱۰/۲۳۸۹	۰/۰۰۰۰
دوره تصدی حسابرِس	AT	-۳۴/۵۱۴۴	۰/۰۰۰۰
سهامداران نهادی	INST	-۴/۹۹۲۱	۰/۰۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	M/B	-۳۴/۹۵۹۹	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۷/۷۲۴۱	۰/۰۰۰۰
کیفیت سود	EQ	-۸۳۸/۶۰۳	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۳۹/۸۸۸۸	۰/۰۰۰۰

نتایج بررسی هم‌خطی بین متغیرهای مستقل پژوهش در جدول ۴ نشان می‌دهد. که مقدار آماره تِلرانس بیش از ۰/۴ بوده و نزدیک به صفر نمی‌باشد که برای پذیرفتن عدم هم‌خطی مناسب است. همچنین آماره VIF نیز مقدار کمی از یک بالاتر است که هم‌خطی بسیار ضعیفی را نشان می‌دهد. از طرفی این مقدار بین بازه بهینه پیش‌فرض که کمینه آن ۱ و بیشینه آن کوچک‌تر از ۵ بوده قرار دارد که در حالت کلی عدم هم‌خطی بین متغیرهای مستقل در مدل رگرسیونی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۴): بررسی هم‌خطی میان متغیرهای مستقل پژوهش

آماره هم‌خطی Collinearity Statistics		مدل رگرسیونی فرضیه پژوهش: $AUCONS = \beta_0 + \beta_1 AT + \beta_2 INST + \beta_3 M/B + \beta_4 SIZE + \beta_5 EQ + \beta_6 LEV + \varepsilon$	
عامل تورم واریانس	آزمون تِلرانس	نماد	نام متغیر
۱/۰۰۶	۰/۹۹۴	AUCONS	محافظه‌کاری ناشی از کیفیت حسابرِس
۱/۰۱۱	۰/۹۸۹	INST	سهامداران نهادی
۱/۰۱۹	۰/۹۸۲	M/B	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
۱/۰۳۴	۰/۹۶۷	SIZE	اندازه شرکت
۱/۰۰۷	۰/۹۹۳	EQ	کیفیت سود
۱/۰۳۳	۰/۹۶۸	LEV	اهرم مالی

همچنین در جدول ۵ آزمون ناهمسانی واریانس، بارتلت است که نشان از وجود ناهمسانی واریانس دارد.



جدول (۵): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

Method	آزمون	(درجه آزادی)	(آماره آزمون)	(احتمال)
Bartlett	(بارتلت)	۳	۱/۱۶۸۲	۰/۷۶۰۶

تحلیل رگرسیونی فرضیه پژوهش

جدول (۶): ضرایب و برآورد مدل رگرسیونی فرضیه پژوهش

شخصی متغیرها	نماد	ضرایب	آماره t	احتمال آماره t
ضریب ثابت	C	-۰/۷۱۶۲	-۳/۳۷۷۸	۰/۰۰۰۸
دوره تصدی حسابرس	AT	-۰/۰۱۱۴۵	-۲/۹۸۸۵	۰/۰۰۲۹
سهامداران نهادی	INST	۰/۰۶۴۷	۲/۱۸۱۱	۰/۰۲۹۴
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	M/B	۰/۰۵۱۷	۳/۲۶۳۴	۰/۰۰۱۲
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۵۹۳	۵/۴۵۲۵	۰/۰۰۰۰
کیفیت سود	EQ	۰/۰۵۵	۱/۶۵۷۲	۰/۰۹۷۹
اهرم مالی	LEV	۰/۰۶۸۳	۱/۴۶۸۳	۰/۱۴۲۸
اتو رگرسیون مرتبه اول	AR(1)	۰/۱۳۷۷	۳/۰۱۹۸	۰/۰۰۲۷
ضریب تعیین R <sup>2</sup>	ضریب تعیین تعدیل شده R <sup>2</sup>	آماره دوربین-واتسون	آماره F	احتمال آماره F
۰/۶۳۲۸۷	۰/۶۲۸۷	۲/۱۷۳۷	۱۸/۹۴۱۵	۰/۰۰۰۰

#### ✓ تأثیر سهامداران نهادی بر محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرس

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۶) مشاهده می شود که چون ضریب مربوط به معناداری میان سهامداران نهادی و محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرس مثبت است ( $\beta_2 = 0.0647$ ) و سطح معناداری به دست آمده بین این دو متغیر برابر با ۰/۰۲۹۴ است که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می باشد، بنابراین سهامداران نهادی بر محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرس شرکت تأثیر مستقیم دارد.

#### ✓ تأثیر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری بر محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرس

با توجه به نتایج حاصل از جدول (۶) مشاهده می شود که چون ضریب مربوط به معناداری میان نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرس مثبت ( $\beta_3 = 0.0517$ ) و سطح معناداری به دست آمده بین این دو متغیر برابر با ۰/۰۰۱۲ که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می باشد.

در نتیجه نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری بر محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرس تأثیر مستقیم دارد.

#### ✓ تأثیر اندازه شرکت بر محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرس

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۶) مشاهده می شود که چون ضریب مربوط به معناداری میان اندازه شرکت و محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرس مثبت ( $\beta_4 = 0.0593$ ) و سطح معناداری به دست آمده بین این دو متغیر برابر با ۰/۰۰۰۰ که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می باشد، بنابراین نتیجه می گیریم اندازه شرکت بر محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرس تأثیر مستقیم دارد.

#### ✓ تأثیر کیفیت سود بر محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرس

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۶) مشاهده می شود که چون ضریب مربوط به معناداری میان کیفیت سود و محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرسی مثبت ( $\beta_5 = 0/055$ ) که سطح معناداری به دست آمده بین این دو متغیر برابر با  $0/0979$  و بیشتر از سطح خطای  $0/05$  می باشد. نتیجه اینکه کیفیت سود بر محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرسی شرکت تأثیر مستقیم اما غیر معناداری دارد. لازم به ذکر است که اثر کیفیت سود بر محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرسی در سطح خطای  $0/10$  ولیکن معنادار است.

#### ✓ تأثیر اهرم مالی بر محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرسی

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۶) مشاهده می شود که چون ضریب مربوط به معناداری میان اهرم مالی و محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرسی مثبت ( $\beta_6 = 0/0683$ ) و سطح معناداری به دست آمده بین این دو متغیر برابر با  $0/1428$  که بیشتر از سطح خطای  $0/05$  می باشد، بنابراین نتیجه می گیریم اهرم مالی بر محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرسی تأثیر مستقیم اما غیر معناداری دارد.

#### نتیجه گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر در پی دستیابی به تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نتایج آزمون فرضیه پژوهش نشان می دهد که ضریب مربوط به معناداری میان دوره تصدی حسابرسی و محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرسی به جهت بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرسی برابر با  $-0/01145$  و مقدار آماره  $t$  جهت بررسی فرضیه های آماری برابر با  $-2/98885$  و سطح معناداری آن برابر با  $0/0029$  می باشد که کمتر از سطح خطای  $0/05$  بوده که در سطح اطمینان  $95$  درصد، در ناحیه رد فرض صفر قرار دارد و حاکی از معناداری فرض است، بنابراین فرضیه  $H_0$  آزمون رد شده و فرضیه پژوهش ( $H_1$ ) پذیرفته می شود. به عبارت دیگر، دوره تصدی حسابرسی بر محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرسی تأثیر معناداری دارد و از سوی دیگر چون ضریب مربوط به معناداری میان این دو متغیر منفی است ( $\beta_1 = -0/01145$ )، بنابراین دوره تصدی حسابرسی بر محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرسی تأثیر معکوس دارد.

این یافته در انطباق با نتایج پژوهش استفان و همکاران (1998) بوده که در پژوهش خود نشان دادند که دوره تصدی حسابرسی منجر به کاهش محافظه کاری حسابرسی می شود. همچنین با نتایج چونگ و همکاران (۲۰۰۳) است مطابقت دارد؛ اما با نتایج تحقیق لی (۲۰۱۰) که در پژوهش خود نشان دادند رابطه مثبت بین دوره تصدی حسابرسی و گزارشگری محافظه کارانه وجود دارد، مغایر است.

بنابراین آنچه از یافته های فرضیه پژوهش می توان تفسیر نمود این است که مروری بر مطالعات انجام شده نشان می دهد که محافظه کاری در شرکت هایی که توسط مؤسسات برتر حسابرسی مورد رسیدگی قرار می گیرند، بیشتر می باشد و رتبه بندی مؤسسات حسابرسی و شرکت های بزرگ حسابرسی مانند سازمان حسابرسی که دارای رتبه برتر می باشند، محافظه کارانه تر می باشد، کیفیت گزارش های حسابرسی بیشتری را دارا هستند که این مطابق با مبانی نظری تحقیق می باشد. در این راستا دوره تصدی گری حسابرسی در روابط بین حسابرسی و صاحب کار تأثیرگذار بوده و دقت نظر حسابرسان و کیفیت گزارش های منتشر شده در آنها را تحت تأثیر قرار می دهند که بر اساس نتایج تحقیق با افزایش طول دوره تصدی گری حسابرسی، میزان محافظه کاری ناشی از کیفیت گزارش حسابرسان کاهش می یابد.

با توجه به نتایج این پژوهش به نظر می رسد که نقش دوره تصدی حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران در زمینه ی محافظه کاری ناشی از کیفیت حسابرسی، حائز اهمیت بوده و نیاز به بررسی و مطالعه بیشتری داشته باشد؛ بنابراین پیشنهاد می شود: به دست اندرکاران تهیه و تدوین مبانی نظری گزارشگری مالی و استانداردهای حسابداری و حسابرسی ملی توصیه می شود، نتایج این تحقیق را مدنظر قرار داده و افشای بیشتری در خصوص رتبه بندی مؤسسات حسابرسی انجام دهند تا سرمایه گذاران و سهامداران با آگاهی بیشتری به سرمایه گذاری در سهام شرکت هایی بپردازند که محافظه کاری حسابرسی بیشتری در آن به کاررفته باشد که بر اساس نتایج تحقیق دارای گزارش های مالی با کیفیت تری می باشند.

همچنین به سازمان حسابرسی نیز پیشنهاد می‌گردد که دوره تصدی‌گری کوتاه‌مدتی برای نمایندگان این سازمان در شرکت‌های تخصصی در نظر بگیرند، چراکه نتایج تحقیق نشان داد که با افزایش دوره تصدی حسابرسی، میزان محافظه‌کاری ناشی از کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد.

#### منابع

۱. پورکریم، یعقوب؛ همت‌فر، محمود؛ امام‌دوست، اصغر. بررسی شکاف انتظارات بین حسابرسان و استفاده کنندگان در مورد ویژگی‌های حسابرسان مستقل. دانش حسابرسی، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۴۰: ۷۱-۸۴
۲. سازمان حسابرسی، کمیته تدوین استانداردها. استانداردهای حسابداری ملی ایران، پیوست استانداردهای حسابداری، مفاهیم نظری گزارشگری مالی، ۱۳۹۲.
۳. شاهنگ، رضا؛ سازمان حسابرسی، مرکز تحقیقات حسابداری و حسابرسی. (تالیف کتاب) "تئوری‌های حسابداری"، سال ۱۳۸۷.
۴. کردستانی، غلامرضا؛ امیر بیگی لنگرودی، حبیب؛ دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. پاییز ۱۳۸۷، دوره ۱۵، شماره ۳، مقاله ۶: ۶۳-۶۷.
۵. کرمی، غلامرضا و بذرافشان، آمنه (۱۳۸۸). بررسی رابطه دوره تصدی حسابرسان و گزارشگری سودهای محافظه‌کارانه در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس، سال دوم، شماره ۷: ۵۵-۸۰.
۶. قیطاسی، روح‌اله؛ سبزی‌پور، فرشاد و حاجی‌زاده، فتح‌اله (۱۳۹۰). بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر هزینه‌های نمایندگی. دانش حسابرسی، سال شانزدهم، شماره ۶۳: ۱۲۹-۱۴۸.
۷. حساس‌یگانه، یحیی و قنبریان، رضا (۱۳۸۵). کیفیت حسابرسی از دیدگاه نظری و تحقیقات تجربی، ترجمه: مجله حسابدار رسمی، ویژه‌نامه شماره ۸ و ۹: صفحه ۴ و ۴۷.
۸. مجتهدزاده، ویدا؛ محافظه‌کاری. مجله حسابدار. دیماه ۱۳۸۰، شماره ۱۴۵: ۲۴-۲۲.
9. Basu, S. (1997). "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings", *Journal of Accounting and Economics* 24(1):3.
10. Ball, Ray and Shivakumar, Lakshmanan, How Much New Information is There in Earnings? (July 9, 2008). *Journal of Accounting Research*, Vol. 46, (Dece 2008). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1105228>.
11. Beaver, W. and S. Ryan. (۱۹۹۸). Conditional and Unconditional Conservatism. ...
12. Dietrich, J. R. Muller, K. A. III, & Reidl, E. J. (2007). Asymmetric timeliness tests of accounting conservatism. *Review of Accounting Studies*, 12 (1), 37-124.
13. Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., & Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality. *Journal of Accounting and Economics*, 39(2), 295-327
14. Financial Accounting Standards Board (FASB) of the Financial Accounting Foundation. Statement of Financial Accounting. Concepts No. 2. Qualitative Characteristics of Accounting Information. may 1980. par95: 36-37.
15. Kiso, vigant and varfild, (2001). The effect of conditional conservatism and the prediction of earnings. "Journals of Accounting and Economics Vol (28), 9-51.
16. Lara J.M, Garsia. Osma B, Garsia and Penalva, F. (2007). Accounting conservatism and firm investment efficiency. <http://ssrn.com/abstract=1383642>.
17. Ohlson, J. Fallatahm. Y. (1995). "Earnings, book values, and dividends in equity valuation". *Contemporary Accounting Research*, 11, 2, 661-687.
18. Tendello. B. Vanstraelen. A. (2008). "Earnings Management and Audit Quality in Europe: from the Private Client segment", *European Accounting Review*, vol, 17, 3, 447-469.

19. Watts, Ross L. and Zimmerman, Jerold L, (1986). Positive Accounting theory, Prentice- Hall Inc. Available at SSRN:<https://ssrn.com/abstract=928677>.37-38.